



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام پُربرکت ماه شعبان را به پیشگاه حضرت ولی عصر و امت اسلامی پیروان قرآن و عترت و همه شما علما و فضایی بزرگوار تهنیت عرض می‌کنیم. از سخنان عالمانه و سودمندانه‌ای که برای خودشان قابل تقدیر بود و برای ما قابل شرم، حق شناسی می‌کنیم و امیدواریم ذات اقدس الهی به همه شما آنچه خیر و صلاح و فلاح دنیا و آخرت است همچنین به رهبر ما، به حوزه ما، به دولت و ملت و مملکت ما، به مردم عزیز و شهیدپرور این کشور آن صلاح و فلاح را مرحمت کند.

یک بیان نورانی از امیر مؤمنان (سلام الله علیه) رسیده است که شیطان همیشه در کمین است و آن وقتی که از کسی تعریف می‌کنند، او خط حمله است. این هشت سالی که کشور عزیز ما در معرض بود، چون امکانات کم بود شب‌های عملیات یا روزهای عملیات، این طور نبود که این خط عملیات خط آتش باشد، یک گوشه‌اش آتش بود بعد گوشه دیگر بعد گوشه دیگر؛ اما آنها که کارشناسان مسئله جنگ بودند و از دو طرف باخبر بودند گزارش آنها این بود که حمله صدامی‌ها در آن طرف مثل این چرخ خیاطی بود، دیدید چرخ خیاطی جای خالی ندارد از اول تا آخر آن سوزن است، این مرتب سوزن است، خط حمله اینها این طور آتش بود؛ نه اینکه مثلاً یک گوشه‌اش آتش باشد چند کیلومتری آرام باشد بعد آتش باشد مثل ما که امکانات نداشتیم، آنها می‌گفتند خط آتش اینها مثل همین چرخ خیاطی است که تمام این خط، خط آتش بود. یک بیان نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) دارد که شیطان

گرچه همیشه در صدد حمله است؛ اما آن وقتی که دارد از شما تعریف می‌کند مثل خط سوزن چرخ خیاطی است تمام آن آتش است، اگر - خدای ناکرده - تحویل گرفتی و قبول کردی که مشکل آتش داری. فرمود درست است همیشه شیطان در صدد حمله است؛ اما آن وقتی که دارند از تو تعریف می‌کنند این خط آتش است. من از این بزرگوار جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای اسکندری (حفظه الله) که از عزیزان ما هستند حق شناسی می‌کنم؛ اما این سخنان انشایی بود، در شأن شما بود ولی در شأن ما نیست و اگر ما - خدای ناکرده - اینها را باور بکنیم همان است. این بیان نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) است که شیطان همیشه دارد حمله می‌کند؛ اما آن وقتی که از کسی تعریف می‌کنند و او دارد باور می‌کند، این مثل خط آتش است مثل همین چرخ خیاطی است که تمام آن آتش است مثل همین حمله‌هایی که صدامی‌ها نسبت به ما داشتند.^۱

امروز پایان بحث سال (تحصیلی) هست و سالروز شهادت شهید مرتضی مطهری (قدس الله نفسه الزکیه) است. او یک شهید گران‌بها و کمیابی است. هنوز هم که هنوز است مثل شهید مطهری نیامده است. یکی از دوستان ما در بعضی از درس‌های خصوصی مرحوم علامه شرکت می‌کرد، مقداری هم در درس «فقه» مرحوم آقای داماد شرکت می‌کرد. ایشان امتحانی داد و استاد دانشگاه شد و دانشگاه رفت. صبح روز جمعه‌ای بود رفتم زیارت همین «وادی السلام» دیدم ایشان قبل از من رفته بود زیارت کرده بود و دارد برمی‌گردد، در همین دالان ورودی یکدیگر را دیدیم و احوال‌پرسی کردیم. او گفت فلانی من رفتم تهران که کار آقای مطهری را بکنم دیدم نمی‌شود می‌خواهم برگردم قم، با اینکه تحصیل کرده بود «فقه» دید، «اصول» دید، «فلسفه» دید. کار شهید مطهری کار هر کسی نبود، او از فلات خواجه طوسی و شیخ طوسی و مانند اینها بود. او این فرمایشات مرحوم علامه را که ایشان در اصول

۱. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، نامه ۵۳: «... فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ ...».

فلسفه تقریر کردند، اینها تقریرات درس مرحوم علامه است. ایشان شارح نبود، مقرر نبود، ایشان محرر بود! تحریر، کار خواجه نصیر است؛ اصطلاح «تحریر، تحریر»! تحریر اقلیدس برای خواجه نصیر است. محرر بودن غیر از شارح بودن است، غیر از مقرر بودن است. محرر کسی است که دست و بال مطلب را باز می‌کند، این مطلب را به پرواز در می‌آورد، نه اینکه آن کلمه را توضیح بدهد و شرح کند! این مطلب را آزاد می‌کند، فکر را هم آزاد می‌کند و هر دو در پرواز هستند. تا حریت نباشد، کسی مثل شهید مطهری نیست. غرض این است که خیلی‌ها شرح کردند، خیلی‌ها تقریر کردند؛ اما این بزرگوار از دیار خواجه نصیر است، خواجه نصیر محرر بود. خدا غریق رحمت کند سیدنا الأستاذ مرحوم علامه طباطبائی را! - نمی‌دانم با تحریر اقلیدس آشنا هستید یا نه! به هر حال یک کتاب سنگینی است مثل بنای عقلا و فهم عرف و اینها که نیست این صد در صد یعنی صد درصد عقلی است ریاضی محض است مقاله ده آن خیلی سنگین است - ایشان با همان لهجه آذری می‌فرمود به اینکه انسان گویا عزرائیل را در روبرو می‌بیند! این مقاله ده این قدر سنگین است! خواجه این را تحریر کرد، نه شرح کرد، نه تقریر کرد! یعنی دست و بال مطلب را باز کرد، مطلب را به پرواز درآورد، ذهن خواننده را باز کرد و این ذهن را به پرواز درآورد. این کار شیخ طوسی است که نسبت به اقدمین کرده، کار خواجه نصیر است که نسبت به اقدمین کرده است شهید مطهری از دیار این بزرگواران است لذا مثل او قبلاً نبود، بعد از او در طی این چهل سال کسی نیامده است. ما - به لطف الهی - از او عالم‌تر و دانشمندتر داریم؛ اما آن‌که بتواند این سعه صدر را داشته باشد، این طور نبود؛ مثلاً سگشان را می‌آوردند جلوی اتاقشان می‌بستند و درس ایشان را گوش می‌دادند! با اینها با این وضع باشد، نبود؛ با هر گروهی فکر بکند، مناظره بکند، حرف آنها را گوش بدهد، با شرح صدر آزاداندیش باشد، نبود. حشر ایشان -

إِنْ شَاءَ اللَّهُ - با انبیاء و اولیای الهی باشد! حشر همه شما اساتید و فضایی بزرگوار که در همین راستا تلاش و کوشش می‌کنید با انبیا و اولیای الهی باشد!

ماه شعبان را کم‌کم ما داریم از دست می‌دهیم! مرحوم «سید بن طاووس» در *إقبال الأعمال*، ایشان اول سال را اول ماه مبارک رمضان می‌دانند. آنها که اول سال را اول ماه مبارک رمضان می‌دانند برابر دو دلیل است: یکی در ادعیه ما هست و یکی در روایات ما هست؛ در ادعیه و در روایات این دو تعبیر است که از ماه مبارک رمضان به عنوان «رَأْسُ السَّنَةِ»^۱ یاد می‌شود و از ماه مبارک رمضان به عنوان «غُرَّةُ الشُّهُور»^۲ یاد می‌شود؛ یعنی اگر ۳۶۵ روز بخواهید حساب بکنید اولین روز ماه مبارک رمضان اول سال است و اگر دوازده ماه حساب بکنید ماه مبارک رمضان اولین ماه است.

جریان ماه شعبان وقتی که رسید، وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صریحاً اعلام کرد که ماه شعبان ماه من است و خدا رحمت کند کسی را که مرا یاری بکند در این ماه! من کارم در این ماه روزه گرفتن است با سایر شئونی که دارد و اگر کسی روزه بگیرد مرا یاری کرده است. معلوم می‌شود این دین را همان دینداری یاری می‌کند، دین را همیاری با رهبران الهی یاری می‌کند. این بیان نورانی حضرت بود.^۳

برخی‌ها نقل کردند در آخرین جمعه ماه شعبان، بعضی‌ها نقل کردند در آخرین روز ماه شعبان؛ ولی ابن طاووس (رضوان الله تعالی علیه) دارد که در یکی از روزهای ماه شعبان وجود مبارک حضرت این خطبه را ایراد کردند. ایشان می‌فرمایند به اینکه «رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيُّ فِي كِتَابِ بَشَارَةِ الْمُصْطَفَى لِشَيْعَةِ الْمُرتَضَى

۱. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۴، ص ۳۳۳.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۶۶.

۳. المنقعة، ص ۳۷۰؛ «شَعْبَانُ شَهْرٌ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي».

بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ السَّيِّدِ الشَّهِيدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَظَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ، نه آخرین روز ماه شعبان بود، نه آخرین جمعه ماه شعبان؛ یکی از روزهای ماه شعبان این خطبه را ایراد کرد که فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ» که با بسیاری از اینها شما مانوس هستید. در بخشی از این خطبه فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِعْفَارِكُمْ وَظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطُولِ سُجُودِكُمْ»؛ فرمود به اینکه شما احساس سنگینی می‌کنید - اینکه می‌بینید بعضی‌ها می‌گویند من هر چه می‌خواهم خودم را کنترل کنم نمی‌توانم یا می‌خواهم سحر بلند شوم نمی‌توانم یا فلان کار خیری را می‌خواهم انجام بدهم نمی‌توانم، راست می‌گویند - حضرت اینجا تحلیل کرده است، فرمود انسانی که - خدای ناکرده - خلاف کرده بدهکار حق است، این مطلب اول؛ انسان بدهکار باید گرو بسپارد، این دو؛ در مسائل مالی اگر کسی مالی بدهکار است، زمین خود، خانه خود، فرش خود را گرو می‌دهد؛ اما اگر کسی گناه کرده، نمی‌تواند خانه خود یا زمین خود را به خدایی که «مالک السماوات و الأرض» است گرو بگذارد، خود او را گرو می‌گیرند. اینکه در دو جای قرآن فرمود: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^۱ و در جای دیگر: ﴿كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾^۲ هر کسی رهن خلاف‌های خودش است، برای همین است. یک انسان بدهکار باید گرو بسپارد. اگر بدهکاری مالی باشد در دنیا، به هر حال انسان زمین و خانه و فرش و مانند آن را گرو می‌سپارد؛ اما بدهکاری عقیده‌ای اخلاقی حقوقی

۱. سوره مدثر، آیه ۳۸.

۲. سوره طور، آیه ۲۱.

یعنی معصیتی کرده، خود او را گرو می‌گیرند. لذا او آزاد نیست، بعضی از کارها را می‌کند بعد پشیمان می‌شود، معلوم می‌شود که آزاد نبود. این «رهین» که در دو جای قرآن کریم آمده است، این فعل به معنای مفعول است منتها یک جا مؤنث است و یک جا مذکر، گرچه «رهین» فعل به معنای مفعول مذکر و مؤنث در آن یکسان است لکن آنجا که دارد: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^۱ نه چون نفس مؤنث است، این «رهینه» اسم است و صیغه مبالغی هم دارد انسان را گرو می‌گیرند. یک بیان نورانی مرحوم صدوق در توحید از وجود مبارک حضرت امیر(سلام الله علیه) نقل می‌کند که چرا ما دلمان می‌خواهد نماز شب بخوانیم اما موفق نمی‌شویم؟ فرمود: این گناهی که روز انجام دادید شما را بسته است.^۱ بنابراین انسان آزاد نیست. حرّیت از بهترین نعمت‌های الهی است. فرمود ماه مبارک رمضان ماه آزادی است، فکّ رهن کنید با توبه، با انابه، با تطهیر خودتان را آزاد کنید، با استغفار کردن خودتان را آزاد کنید، فکّ رهن کنید، دین خود را ادا کنید و اگر ذنبی دارید گناهی دارید به وسیله اعمال خیر آنها را شستشو کنید: «إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ وَ ظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سُجُودِكُمْ». «وَاعْلَمُوا» که ذات اقدس الهی سوگند یاد کرده است، بعد آن بخش‌ها را نقل می‌کند. تا به اینجا می‌رسیم که می‌فرماید: «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَكُّدٌ فِيهِ عِبَادَةٌ» - البته این در دستورات ماه مبارک رمضان است ولو بخشی از اینها در این خطبه نباشد - فرمود ماه مبارک رمضان آدم نفس که می‌کشد عبادت است، می‌خواهد عبادت است.

حالا نگاه کنیم و ببینیم که ارتباط این بیان نورانی پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلّم) با اهل بیت و جریان کربلا چیست؟ در فضیلت ماه مبارک رمضان ائمه به ما فرمودند که «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَكُّدٌ فِيهِ عِبَادَةٌ»؛ یک انسان صائم که نفس می‌کشد، او دارد عبادت می‌کند؛ می‌خواهد، دارد عبادت می‌کند. در جریان کربلای سید الشهداء(سلام

۱. التوحید(للسدوق)، ص ۹۷.

الله علیه) چیست؟ ببینید پایگاه جریان امام حسین تا کجاست! آنجا هم آمده است که حضرت فرمود: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ»^۱ حالا یک کسی دارد راه می‌رود و تنه‌است جریان کربلا یادش آمد و یک آهی کشید، اختصاصی به محرم ندارد، اختصاصی به اربعین ندارد، اختصاصی به طول سال ندارد، فرمود یک کسی یک آهی کشید برای مظلومیت ما: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ». حالا این را بیاورید در کنار ماه مبارک رمضان که درباره ماه مبارک رمضان وارد شده است: «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَكُّمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ»؛ حالا معلوم می‌شود امامت یعنی چه! ولایت یعنی چه! شهادت سید الشهداء یعنی چه! این ماه این طور است، آن جریان کربلا هم همین طور است، آن هم در همین راستاست، یک چیز جدایی که نیست، بیگانه که نیست. خیلی حرف است! در طول سال! اختصاصی به محرم ندارد، اختصاصی به اربعین ندارد: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ».

خدا غریق رحمت کند مرحوم محدث قمی را! آن کتابی که در مقتل نوشته به عنوان نفس المهموم یک کتاب ظریفی است. فاصله علمی علامه شعرانی (رضوان الله تعالی علیه) با مرحوم آقا شیخ عباس خیلی است! این علامه شعرانی آمده گفته این را من ذخیره قیامت خود قرار می‌دهم و این کتاب عربی مرحوم آقا شیخ عباس را ترجمه کرده است، این علامه شعرانی! چند جلد جوهر را برای فقها درس گفته است!

بعد در این قسمت‌های آخر فرمود به اینکه درهای بهشت باز است، بکوشید که به روی شما نبندند! درهای جهنم بسته است، بکوشید که باز نکنند! این رحمت خیلی است! آن‌گاه وجود مبارک امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در پایان خطبه گفت که «فَقُمْتُ وَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ»؛ به حضرت عرض کردم این دستورات نماز و روزه و مانند آن که مشخص است، به نظر شریف شما بهترین عمل و بافضیلت‌ترین عمل در ماه

۱. الأُمَالِي (للمفيد)، النص، ص ۳۳۸.

مبارک رمضان چیست؟ «فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ پرهیز از کار حرام، قول حرام، فکر حرام، از حرام انسان جدا بشود بهترین راه است، چون بقیه راه باز است، این حرام است که راه را می‌بندد. بعد وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گریه کرد؛ حضرت امیر آن سؤال را کرد و حضرت این جواب را داد، بعد وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گریه کرد. حضرت امیر می‌گوید: «فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ» چرا گریه می‌کنید؟ «فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ» آنچه که برای تو حلال می‌شمرند یا حلول می‌کند، من برای آن گریه می‌کنم، چرا؟ «وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَقَدْ ابْتَعْتَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيقُ عَاقِرٍ نَاقَةٍ تَمُودَ فَيَضْرِبُكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ تَخْضِبُ مِنْهَا [بِهَا] لِحْيَتُكَ»؛ من برای این گریه می‌کنم که تو داری نماز می‌خوانی، أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ با شمشیرش سر مطهر تو را می‌شکافد و محاسن شما رنگین می‌شود. چون مثل ابن ملجم کسی نیامده است، حتی شمر به شقاوت ابن ملجم هم نیست؛ برای اینکه شمر با یک خطر روبرو بود ولی ابن ملجم با دو خطر روبرو بود. آن کسی که امام (سلام الله علیه) او را به هلاکت برساند، یقیناً اهل جهنم است و هیچ شفاعتی شامل او نمی‌شود؛ آن کسی که خودش امامی را شهید کند، یقیناً اهل جهنم است. ابن ملجم با شمشیرش امامی را شهید کرد و با شمشیر امام دوم یعنی امام حسن کشته شد، او بین الإمامین بود. آن شمر و امثال شمر را مختار کشت. هیچ کسی اگر با شمشیر امام کشته بشود اهل نجات نیست. لذا شقاوت ابن ملجم بیش از شقاوت شمر است. لذا فرمود به اینکه او «أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» است. از نظر عاطفه جریان شمر حساب دیگری دارد؛ اما محروم‌ترین انسان کسی است که با شمشیر امام کشته بشود و با شمشیر او امامی کشته بشود.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ» من بلند شدم عرض کردم آن وقتی که مرا شهید می‌کنند «فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي فَقَالَ ص» بله «فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ». «ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي»؛ ما قبلاً وقتی که می‌شنیدیم که «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»،^۱ این «حُسَيْنٌ مِنِّي» را می‌گفتیم روشن است که نوه حضرت است، «أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» را می‌گفتیم که چون دین حضرت به وسیله کربلا زنده شد. بعد دیدیم درباره امام حسن هم هست.^۲ بعد بیش از آنها و پیش از آنها درباره حضرت امیر است که «عَلِيُّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ».^۳ «عَلِيُّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»! این هم در این خطبه «شعبانیه» مشخص می‌شود، هم در آیه سوره مبارکه آیه «مباهله»؛ اگر در آیه «مباهله» دارد که ﴿وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾^۴ پس «عَلِيُّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ». در این خطبه «شعبانیه» که دارد یا علی «لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي» یعنی «عَلِيُّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»، اگر آیه «مباهله» دارد: ﴿وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾ همین است. آن وقت این پنج تن البته همه این چهارده معصوم، مخصوصاً این پنج تن حسابشان روشن است؛ اگر گفته شد: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» روشن است، «حَسَنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ» روشن است، «عَلِيُّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ» روشن است. هم آیه «مباهله» و هم این خطبه نورانی اینها را خوب تأمین می‌کند.

بعد فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ وَاخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَاخْتَارَكَ لِلإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوَّتِي يَا عَلِيُّ أَنتَ وَصِيِّي وَأَبُو وَلَدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ

۱. کامل الزیارت، ص ۵۲.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص ۳۰۶.

۳. الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۹.

۴. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

وَحَلِيفَتُهُ فِي عِبَادِهِ».^۱ بعد حدیث دیگری دارد که امام صادق (سلام الله علیه) فرمود اگر کسی ماه مبارک رمضان بگذرد و خدا از او راضی نباشد، او به این آسانی‌ها بخشیده نمی‌شود مگر اینکه عرفه را دریابد.^۲

امیدواریم که خدای سبحان به برکت قرآن و عترت، نظام ما رهبر ما دولت ما مردم ما و حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما و شما محققان و علما و فضلاء حوزه را در سایه قرآن و عترت از همه خیرات و برکات بهره‌مند بفرماید! و عزیزانی که در اثر این سیل آسیب دیدند ذات اقدس الهی به برکت قرآن و عترت هم آن گذشته‌ها را غریق رحمت بفرماید، هم آسیب‌دیده‌ها را مورد محبت و رحمت قرار بدهد! و از همه کسانی که دوستانه خیری کردند اقدامی کردند همکاری کردند همیاری کردند، ذات اقدس الهی به أحسن وجه بپذیرد و اضعاف مضاعف به آنها خیر عطا کند! و این ضایعه را خدای سبحان به أحسن وجه به اضعاف مضاعف جبران کند که هیچ آسیب دیده‌ای در این مرز و بوم نماند! این کشور، کشور شهداست، در این زیارت‌نامه‌ها می‌خوانیم: «طَبَّتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ»^۳ مستحضرید که باران پاک می‌کند ولی خون و امثال خون را اما استکبار را، استعمار را، ظلم را، ستم را، غارتگری را، استحمار را، اینها را باران پاک نمی‌کند، اینها را فقط خون شهدا پاک می‌کند. در این دعاها بعد از زیارت می‌خوانیم: «طَبَّتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ» شما ایران را پاک کردید. باران که نمی‌تواند این استکبار را، این کار ترامپ را، این کار صهیونیسم را، اینها را پاک بکند، این خون شهید است که پاک می‌کند. حالا وقتی پاک کرد حداکثر وظیفه ما این است که این پاکی را حفظ بکنیم و نگذاریم دوباره آلوده بشود. باران آن قدرت را ندارد که جلوی استعمار را بگیرد و این قذارت و آلودگی استعمار را پاک کند. قبل از انقلاب تمام قسمت‌های

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۲.

۲. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳؛ «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ».

۳. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۲۳.

حساس این مملکت زیر نظر همین صهیونیست‌ها بود، این خون شهید بود که این آلودگی‌ها را پاک کرد؛ استکبار همین‌طور بود، استحمار همین‌طور بود، صهیونیسم همین‌طور بود. الآن باید این طهارت را حفظ کرد. این زیارتنامه‌ها را که می‌گویند بخوانید و به زیارت بروید، بخوانید یعنی این آثار را حفظ بکنید. اگر توانستیم - إن شاء الله - اینها را حفظ بکنیم آن وقت می‌شویم ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾^۱ ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾ که شدیم اینها هر روز از ذات اقدس الهی بشارت می‌خواهند: ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾. مگر شهدا با هر کسی کار دارند؟! شهدا با «الذین»، «الذین» یعنی «الذین»! به چه کسانی می‌گویند ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾؟ این عدم ملکه است اگر کسی در شهر خودش پارک کرده باشد و هنوز حرکت نکرده باشد که غمی گویند هنوز نرسید! شهدا به خدا عرض می‌کنند خدایا! آنها که راه افتادند، راهی ما هستند، در بین راه هستند و هنوز به ما نرسیدند، بشارت بده که کجا هستند؟ ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ﴾ این فعل مضارع است و مفید استمرار است یعنی مرتب از خدا بشارت می‌خواهند درباره چه کسی؟ نه «الذین لم يتحركوا» بلکه ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾! الآن مسافرانی که از خانواده‌های ما هستند و در راه هستند می‌گوییم هنوز نرسیدند؛ اما آنها که هنوز حرکت نکردند که غمی‌گوییم هنوز نرسیدند. آنهایی که راهی راه شهدا نشدند، شهدا با آنها کاری ندارند، مژده غمی‌خواهند از خدا، حال آنها را غمی‌پرسند. اینها هم کاملاً باخبر هستند می‌گویند خدایا! گاهی اسم می‌برند گاهی فلانی را اسم می‌برند که فلان کس، فلان کس، اینها که آمدند راهی ما هستند و هنوز نرسیدند، وضعیتشان چگونه است؟ کجا هستند؟ ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ﴾. ﴿بِالَّذِينَ﴾ یعنی بِ- ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾، این ﴿الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾ عدم ملکه است یعنی آنها که هنوز نرسیدند. یک تعبیر علمی نیست، یک امر عادی هم هست. ما سه عبارت داریم: آنهایی که از شهر حرکت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۰.

کردند می‌خواستند به زیارت بیایند رسیدند که رسیدند؛ آنها که اصلاً حرکت نکردند و هنوز در شهرشان اتومبیل‌هایشان پارک کرده است، می‌گوییم هنوز راه نیافتاده‌اند؛ اما آنها که راه افتادند می‌گوییم هنوز به ماه نرسیدند، شهدا با این گروه کار دارند. حدیث «لَا تَنْقُضُ»^۱ را هم ائمه گفتند حالا این طور نیست که اگر به صورت دعا شد یا به صورت زیارت شد هر کسی بتواند بفهمد. این «لَا تَنْقُضُ» را مگر آنها نگفتند؟! این «طَبِئْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ» را هم آنها گفتند! این را شما باز کنید یعنی استکبار را، صهیونیسم را، ذلت را جز خون چیزی پاک نمی‌کند. این طور نیست که حالا اگر زیارت شد یا دعا شد هر کسی بفهمد، این هم مثل «لَا تَنْقُضُ» است، مثل «رُفِعَ ... مَا لَا يَعْلَمُونَ»^۲ است. کشور را آب، تگرگ، باران، اینها بله اگر یک جایی خون باشد یا آلودگی دیگری باشد پاک می‌کنند؛ اما استکبار را، صهیونیسم را، ظلم را، استحمار را، این فقط خون پاک می‌کند و اینها دادند و پاک کردند و اینها هم به فکر شما هستند، شما هم به فکر آنها باشید. ما مهمان اینها هستیم و هیچ نگرانی نیست منتها کسانی که خواب هستند امیدواریم بیدار بشوند و اگر بسته‌اند امیدواریم که «فُكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ» بشوند و ذات اقدس الهی به فرد فرد شما خیر دنیا و آخرت بدهد و به مقام والای اجتهاد برسد کتاب‌های تألیف کنید شاگردانی تربیت کنید تا این دین را به دست صاحب اصلی‌اش بسپارید به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

«و الحمد لله رب العالمین»

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۴۵: «لَا تَنْقُضِ الْيَقِينَ أَبَدًا بِالشَّكِّ وَإِنَّمَا تَنْقُضُهُ بَيِّنٍ آخَرُ».

۲. التوحید (للسدوق)، ص ۳۵۳.